

موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه
(تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی)
رئیس شورای سیاست‌گذاری:ابراهیم‌رستمیان مقدم
مدیرمسئول: حامد شمس
سر‌دبیر: اکبر هاشمی
معاون سر‌دبیر: رضا جمیلی
دبیر تحریریه: میترا فردوسی
مدیر هنری: سیدعلی‌رضا میرزامصطفی
مدیرفنی: پژمان اشکان
ویرایش عکس: شبنم رضوانی
ویرایش متن: مرضیه عظیمی
تحریریه: نسرين ظهیری، فاطمه علی اصغر
آزاده افتخاری، امین جلالوند
مسعود شاه‌حسینی، صدرا محقق، نگار مفید
محمدحسین قشقایی، بهاره اسلامی
حامد رسولی،مهدی شادمانی، نازنین متین‌نیا
حمیدرضا عبدالوند، بهاره بدیعی
جواد حیدریان،مسعود مشایخی
نظارت چاپ: عبدالله محمدی
با تشکر از: ابراهیم باقری، صولت فروتن
احمدرضا سبزویش
نشانی: خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم
شماره ۲۲، طبقه پنجم
تلفن تحریریه: ۰۶-۸۵۱۷۰۰۸۵
نمابر: ۸۵۱۷۰۸۷
www.tamin24.ir
چاپ: هنر سرزمین سبز
آگهی و اشتراک: ۸۵۱۷۰۹۱

«زیر پوست شهر - ۴۱»

روزی برای آن‌ها

آن‌ها منتظرند. هر صبح و هر عصر. منتظر کار غیر منتظره. کارگرهایی که در گوشه‌ای از میدان‌های جنوبی شهر هرروز در جست‌وجوی کار روزمزد خیابان‌های شهر را می‌یابند. یکی از پاتوق‌ها روبروی در شرقی پارک رازی است. آن‌ها با هم اختلاط می‌کنند. بعضی‌ها مدام قدم می‌زنند. بعضی‌ها روی نیمکت جلو پارک نشسته‌اند و عده‌ای هم تکیه داده‌اند به چنارهای برگ‌پهن و رد خیابان را می‌زنند. یک روز مانده به روز کارگر.

روبه‌روی پارک شیرینی‌فروشی ناپلئونی‌های خوبی دارد. دو کیلو ناپلئونی را به قیمت میدان رازی حساب می‌کند. می‌روم میان کارگرها. همه برمی‌گردند و نگاه می‌کنند. شیرینی تعارف می‌کنم. کسی با لپچه کردی می‌گوید: «نذرتان قبول.» می‌گویم: «نذری نیست. شیرینی روز کارگر است.» نگاه کارگرها لحظه‌ای می‌ایستد و نوبی دست بعضی‌هایشان شک و دودلی برپر می‌کند و آن‌ها لبخندهای تلخ را قایم می‌کنند. یکی می‌پرسد از طرف شهرداری آمده‌ای. می‌گویم نه.

صمد که می‌گوید کرمانشاهی است لپچه گرمی دارد. شیرینی را می‌گیرد و خودش پخش می‌کند. می‌گوید: «چند ماه است می‌آیم اینجا برای کار. یک روز هست و یک روز نیست. شما می‌گویید روز کارگر من خنده‌ام می‌گیرد. تا حالا کسی به خاطر اینکه کارگرم به من مبارک‌باشه نگفته بود.»

کسی آن وسطا جلو می‌آید. پیراهن نوی به تن دارد. هنوز رد پهای تاخوردگی روی پیراهن هست. شرم در نگاهش می‌دود و لبخندش به خنده می‌نشیند. «است می‌گه. فرداروز کارگره. دختر من هم دیشب این پیراهن رو بهم هدیه داد. معلمش یادش داده. همون اول سال شغل پدرهاشون رو پرسیده و بهشون روز پدرهاشون رو یادآوری کرده.» بحث روز کارگر داغ می‌شود. کارگرها اما بر خلاف انتظار گله نمی‌کنند. سختی کارشان را به رو نمی‌آورند و از دستمزدهایی که کفاف زندگی را نمی‌دهد چیزی نمی‌گویند. کم حرف می‌زنند و با روز کارگر شسوعی می‌کنند. آن‌ها طنز تلخ روز کارگر را با مزه ناپلئونی‌ها فرو می‌دهند.

انتظار به سر می‌آید و وانت سفیدرنگی می‌ایستد و پنج کارگر ساختمانی می‌خواهد. آن‌ها سر قیمت چانه می‌زنند به توافق می‌رسند. کارگرها شیرینی در دست سوار وانت می‌شوند. نگاه می‌کنم، آن که پیراهن نوی بر تن داشت جلوتر از همه سوار وانت شده و باد خنده‌هایش را با خود می‌برد تا ابرهای بهاری که بالای سر میدان رازی جا خوش کرده‌اند.

ارائه‌بن‌کارت فیزیکی به دانشجویان در نمایشگاه کتاب

معاون برنامه‌ریزی و توسعه فناوری اطلاعات بانک شهر از تسهیل در ارائه‌بن‌کارت فیزیکی به دانشجویان در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران خبر داد. به گزارش ایرنا، احمد درخشنده با بیان اینکه به منظور تسهیل در ارائه خدمات بانکی به مراجعان نمایشگاه شهر آفتاب، دسترسی‌های جدیدی در پیشخوان‌ها پیش‌بینی شده‌است، افزود: «همه دانشجویانی که در سایت وزارت ارشاد ثبت‌نام کرده‌اند، می‌توانند برای دریافت کارت فیزیکی به شعب بانک شهر مراجعه کنند یا در شهرت‌ها بن خود را دریافت کنند. دانشجویان پس از تایید ثبت‌نام در سایت وزارت ارشاد، می‌توانند با مراجعه به وب‌کیوسک پیشخوان‌های شهرنت، گزینه نمایشگاه کتاب را انتخاب و با وارد کردن کد ملی، بن‌کارت خود را دریافت کنند.»

۲۴ | آنتیپنو

ویستره

هفته کار و کارگر-پاتوق

قربانی با «دخت پری‌وار» به تالار وحدت می‌آید



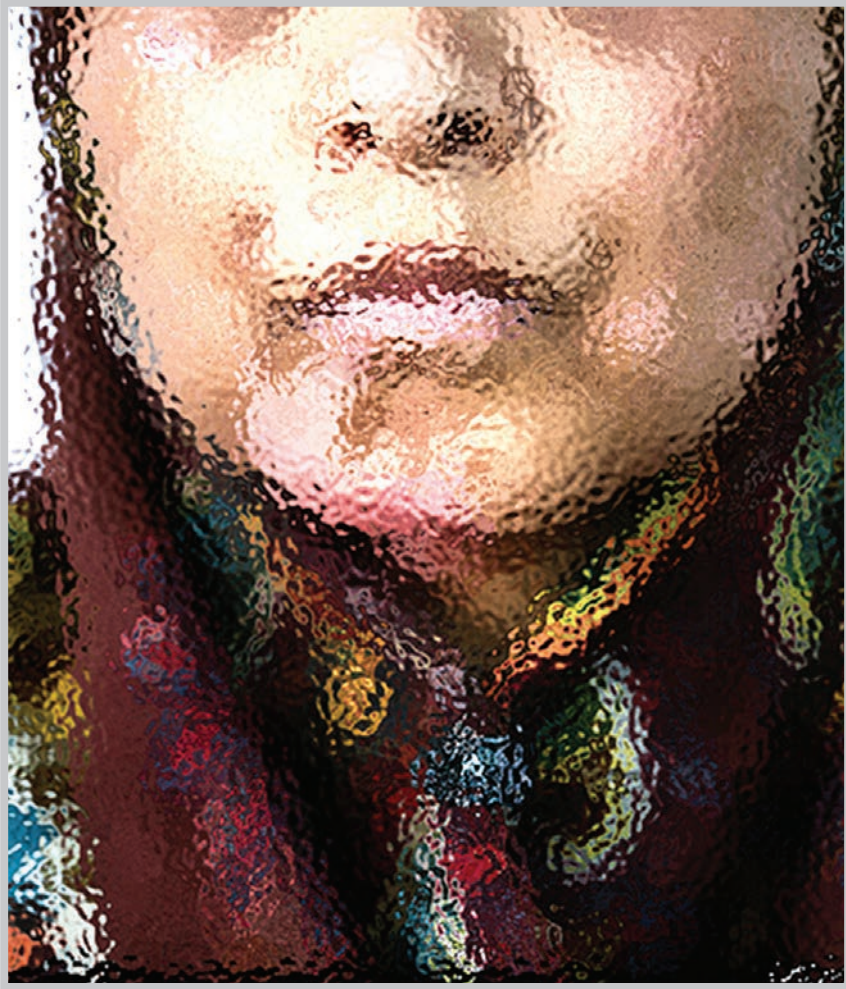
کنسرت «دخت پری‌وار» اثر جدید علیرضا قربانی به آهنگسازی مهیار علیزاده خردادماه امسال روی صحنه خواهد رفت. این کنسرت از ۱۹ تا ۲۲ خردادماه در تالار وحدت اجرا می‌شود و قطعات آلبوم «دخت پری‌وار» که اواخر سال گذشته به بازار آمد، برای علاقه‌مندان موسیقی کلاسیک ایرانی نواخته می‌شود.

آلبوم «دخت پری‌وار» شامل ۱۲ قطعه است و در آن، اشعاری از سروده‌های شاعران کلاسیک و معاصر شنیده می‌شود. ضبط تمام قطعات این مجموعه در ایران انجام شده و جمعی از نوازندگان داخلی هم نت‌های مهیار علیزاده را به اجرا درآوردند. علیزاده درباره این اثر گفته است: «نگاه مینی‌مال شاخصه اصلی «دخت پری‌وار» است. برخلاف آلبوم «حریق خزان»، کمتر از صداهای انسانی به شکل گروه کر استفاده شده است. همین‌طور شنونده حرکات ارکستری بیشتری نسبت به قبل هسیتیم. بازی‌های ارکستری که به‌دقت روی آن‌ها کار شده و اعتمادی که به

صدای خواننده در این مجموعه صورت گرفته است. هارمونی کار طبیعتاً هارمونی کلاسیک نیست و بنابراین شنوندگان بین این قطعات نباید به دنبال شنیدن دائمی درجات نتال باشند، بلکه تا جای ممکن باید نگاه مُدال و ملودی‌محور و هارمونی‌های افقی را دنبال کنند. این فضای مُدال در بعضی قطعات با توجه به شعر و فضا، گاهی کمرنگ‌تر و نزدیک به موسیقی تُنال و در بعضی قطعات به موسیقی آزاد گرایش دارد.»

بحث داغ شبکه‌های اجتماعی

سه‌هفته شکنجه‌درخانه!



حاضر نبودن شکایت کنن! تا وقتی خانه امنی نباشه که از این زن‌ها حمایت کنه، اعظم‌ها هستند و حتی به‌رهایی فکر نمی‌کنن. سکوت خشونت رو بازتولید می‌کنه و تنهایی و عدم حمایت زن رو مجبور به سکوت می‌کنه.»

کاربری به نام اعظم در توئیتر نوشت: «موضوع شکنجه اعظم رو خوندم. جالبه اسم منم اعظمه و ۵ سال پیش شوهر منو لای در خونه نگه داشت و در رو محکم بست و باعث شد ران پایم آسیب ببینم. در این مدت چون بیمه نبودم و هزینه عمل رو نداشتم پامو عمل نکردم و پام کج شده و ورم دارم. نمی‌تونستم طلاق بگیرم چون تهدید می‌کرد و مدارک شناسایی‌مو پنهان کرده بود و من هم هیچ پناهی نداشتم، اعظم‌ها یازدن در جامعه ما…»

چند روز بعد از این ماجرا، خبری منتشر شد که دادگاه اعلام کرده که

اگر وثیقه ۲۰ میلیون تومانی برای شوهر اعظم بیاورند، او از زندان

آزاد می‌شود. این موضوع نیز به‌سرعت میان اهالی شبکه‌های

مجازی مورد انتقاد قرار گرفت. خبر آزادی این مرد شکنجه‌گر

آن هم با وثیقه ۲۰ میلیون تومانی بار دیگر موضوع داغ تمام



یکشنبه ● ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۵ ● شماره پنجاه و یک

A T I V E H N O

«ساختمان نیمه‌کاره-۳۵»

روز کارگر را اینگونه جشن می‌گیریم

دو روز پیش عروسی یکی از دوستان کارگر ما بود. البته احمد الان دیگر با ما کار نمی‌کند. دوستی ما با وجود دوری از یکدیگر هنوز پابرجاست. احمد جوان لاغر اندام و نحیف اما پرکار و پرتلاشی است که تا زمانی که کنار ما بود هر کاری که به او سپرده می‌شد را تمام و کمال انجام می‌داد و سادگی و بی‌آلایشی خاصی داشت. سال‌ها کنار هم بودیم. خانه او در روستایی دور بود و بعد از فوت پدرش مجبور شد به خاطر تنهایی مادرش دوباره به روستایشان برگردد و به کار دامداری مشغول شود. به لطف خدا کاروبار دامپروری‌اش خوب شده و بالاخره توانست برای خود همسری اختیار کند.

دیشب که گشتی در اینترنت می‌زدم متوجه شدم در هفته کارگر به سر می‌بریم و یازدهم اردیبهشت روز جهانی کارگر است. اینقدر درگیر کار شده بودم که امسال داشت این مناسبت از یادم می‌رفت. چند سالی است که روز جهانی کارگر را جشن می‌گیریم. البته جشن که می‌گویم منظورم یک مجلس باشکوه و پرزرق‌وبرق نیست و تدارکات آن زیاد هزینه‌بر نیست. اوایل که می‌خواستم این روز را جشن بگیرم کارم کمی سخت بود. به‌تنهایی باید بچه‌ها و کارفرماها را متقاعد می‌کردم که این روز را متفاوت از روزهای دیگر بگذرانیم. خیلی اوقات با مخالفت کارفرماها مواجه می‌شدم، دلیل آن‌ها به هم خوردن زمان کاری و عقب ماندن کارها بود. ریشخند بعضی از دوستان و مسخره کردن آن‌ها هم کمی دلسردم می‌کرد. عده‌ای از بچه‌ها معتقد بودند که کارگر جماعت را چه به این کارها! می‌گفتند این لوس‌بازی‌ها برای بچه پولدارهاست نه ما کارگران ساختمانی. خلاصه با هزار زحمت توانستم کارفرماها را متقاعد کنم که در این روز دو ساعت کار را تعطیل کنند تا با بچه‌های ساختمان دور هم بنشینیم و فارغ از همه غم و غصه‌ها و کار و زندگی ساعتی با هم باشیم. همیشه به بچه‌ها می‌گویم که باید برای خودمان و شغلمان احترام قائل باشیم و بتوانیم خیلی راحت این روز را به همدیگر تبریک بگوییم و شادی کنیم. ولی بعضی از دوستان غرورشان اجازه نمی‌دهد که این روز را به هم تبریک بگویند و شاد باشند. بعد از چند سال که به این کار مداومت کردم، الان خیلی راحت‌تر می‌توانیم این روز را جشن بگیریم. کارفرماها از این حرکت استقبال می‌کنند و مقداری از خرج آن را متقبل می‌شوند. پیش‌تر همه کارها، خرید شیرینی و کیک و پخش کردن آن میان بچه‌های ساختمان و جمع کردن بچه‌ها بر عهده خودم بود و به‌تنهایی آن‌ها را انجام می‌دادم. اما یکی دو سالی می‌شود که خود بچه‌ها هم منتظر این روز هستند تا دور هم جمع شویم و ساعتی را کنار هم خوش بگذرانیم. حتی الان این جشن گرفتن به ساختمان‌های همجوار ما هم سرایت کرده که عده‌ای در آن‌ها مشغول به کارند. آن‌ها هم با پخش شیرینی و کیک این روز را متفاوت از روزهای دیگر می‌گذرانند. تفاوتی که ما کارگران ساختمانی با کارگران شرکتی یا کارگاه‌های خصوصی داریم این است که اتحادیه و صنف قوی و دست‌ور پیگیری ویژه وضعیت اعظم را صادر کرد.



شبکه‌های اجتماعی شد. کاربری در توئیتر نوشت: «مردی که ۲۱ روز همسر و بچه‌هاش رو شکنجه کرده قراره با وثیقه ۲۰ میلیونی آزاد بشه! یعنی چون به انسان و بچه‌هاش ۲۰ میلیون می‌آره؟» کاربر دیگری به نام الهام نوشت: «عکس‌های اعظم رو ببینید، روش شکنجه مانند داعش بوده! اما حالا خبر رسیده این پرونده جنایی نیست و شوهر شکنجه‌گر اعظم با ۲۰ میلیون تومان وثیقه آزاد می‌شه.»

حجم انتقادات تا جایی بالا گرفت که شهیندخت مولاردی، معاون

زنان و خانواده ریاست جمهوری، دستور پیگیری ویژه وضعیت

اعظم را صادر کرد.

چند روز پس از این اعتراضات، وکیل اعظم اعلام کرد: «قرار شوهر

این زن که مظنون پرونده‌است به دستور معاون دادستان مشهد

تشدید شده و او قرار است تا روز دادگاه در بازداشت بماند.» مرضیه

مجبی، وکیل اعظم، گفت: «این تصمیم پس از روشن شدن نتایج

بررسی‌های پزشکی قانونی و به این دلیل اتخاذ شده که جرم

انجام‌یافته موجب جریحہ‌دار شدن اذهان عمومی شده است.»